

نقوش نمادین آب در ایران باستان

صبا آل ابراهیم دهکردی

دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

آشنایی با فرهنگ، باورها و سنت‌ها از طریق مطالعه نقوش نمادین در هنرها امکان‌پذیر است؛ زیرا که بیشتر نقوش و تصاویر سرشار از مفاهیم و نمادها هستند. برای درک آن‌ها ضرورت دارد که تمامی علایم و نقوشی که در آثار هنری و تاریخی دارای ویژگی نمادین هستند شناسایی شوند. آب از دوران کهن در ایران باستان ارزش و اهمیتی شایان توجه داشته است، نقش و نگارها و نمادهایی که به دست هنرمند ایرانی از آغاز تاکنون در رابطه با این عنصر بوجود آمده است، بسیاریند. نقوشی که هنرمند ایرانی در رابطه با عنصر آب خلق نموده بصورت نمادها، اشکال و خطوطی ساده اما پر معنا بر روی ظروف، سفال‌ها، نقش برجسته‌ها و سنگ نوشته‌ها بوجود آمده‌اند. این نقوش در عین سادگی و تجربه مفاهیمی گسترده دارند و از قدرت بیان و استحکام بسیاری برخوردار می‌باشند. همه این‌ها از آغاز تمدن و فرهنگ غنی این مرز و بوم در قالب نقوش هنری ایران شکل گرفته‌اند.

مقدمه

یکی از جلوه‌های اساطیر، گونه‌ی تصویری و نگارین آن است. اسطوره همیشه بصورت حکایت و روایت نیست، بلکه می‌تواند به گونه‌ی نقش و نگار درآید. بیان تصویری، بیان نمادین است. برای درک آن باید نمادهای به تصویر درآمده را در قالب الفاظ و کلام درآورده و اینگونه قابل هضم کرد. (اسماعیل پور، صفحه 30) آب از جمله عناصری است که معانی اساطیری بسیار دارد و همواره دارای نقوش نمادین در فرهنگ و هنر مردم ایران بوده است. از جمله این نقوش و نمادها، خطوط موج داراست که روی اغلب ظروف سفالین دوران پیش از اسلام دیده می‌شود. این علایم علاوه بر زیبایی هدف دیگری را در بر دارند. سازنده می‌خواسته به این طریق از جویباری که آب آن مورد استفاده قرار می‌گرفته صحبت کند و حرکت آن را به وسیله خطوط موج دار مجسم ساخته است، نیز خطوط مارپیچ روی سفال‌های آن دوره نشانه‌ی آب موج می‌

باشد، این علامت از قدیم ترین زمان ها در خط تصویری برای اشاره به آب بکار برده می شده است، چون مکرر و موازی کشیده شود از « آبدان ماه » حکایت می کند (ایهام پوپ، صفحه 11).

بسیاری از نمادهای آناهیتا جانورانی هستند که یا در آب زندگی می کنند یا به نحوی با آب در ارتباط هستند، همانند: ماهی، نیلوفر، مار، مروارید و...



مروارید

این گوهر، نشانه ی ماه و آب و زنانگی است. در تمام فرهنگ ها اعتقادات زیادی در مورد آن وجود دارد: نوشابه خدایان که نوشیدنش موجب بی مرگی است، کاسبرگ، شبنم، اشک زن، ایزدان نگهبان، چشمه ها، ستاره فرو افتاده و نگین ماه. درباره پیدایش مروارید بر کوه خاکی افسانه ها هست. در شرق حکایت می کنند که روزهای طوفانی آذرخشی در صدفی افتاد و این چنین مروارید زاده شد و ثمره نمادین آب گردید. در ایران قطره بارانی است که از آسمان، در درون صدفی که از میانه ی دریا به روی آب آمده و دهان باز کرده چکیده شده است.

مار

مار که در واقع جانوری خزنده است با تبدیل شدن به رمز، دارای بار معنایی غنی و چندگانه ای می شود که هر یک از آن ها با گوشه ای از مفاهیم اشیاء رمزی شده دیگر در جایی گره می خورند. در این گسترش بی حد و غیر هندسی مار از سویی به جهت توانایی در پوست انداختن و تازه شدن موجودی بی مرگ می نماید، که دائما تجدید حیات می کند. از سویی به دلیل اینکه پلک ندارد و با چشمان باز می خوابد و نگاهش نیز ثابت و دقیق به نظر می آید نماد هوشیاری شمرده می شود، تا جایی که میرچا الیاده آن را بخشنده دانایی (غیب آموز) هم می نامد. و از دیگر سو جانوری قمری یعنی نمادی برای حضور ماه می شود... و دیگر اعتقاد به قدرت او درباره بارور ساختن زنان است که همین عقیده در مورد ماه نیز نزد بسیاری از اقوام وجود دارد. در این تداخل و تلاقی رمزها؛ ماه از آنجا که جاذبه اش جزو مد را در آب دریا موجب می شود و در میزان بارندگی و بالطبع رویندگی تاثیر دارد و همچنین نیاز انسان به آب، سبب ایجاد باورهای روحانی نسبت به آن شده است. آب تجلیات قداستش را در این زمینه به مار نیز که پیوندهای معنایی عمیقی با آن دارد تسری می دهد.

همچنین رابطه ماه و مار به جهت پیشگویی و غیب آموزی از آن جهت است که پیش گوئی و غیبت آموزی در مجاورت آب صورت می گیرد و اعتقاد بر این بوده که قدرت غیب آموزی از آب نشات می گیرد. قوس و قزح های تماشایی و اساطیری نماد ماده کمیاب و گران بهای آب اند، که مار نگهبان آن است و مردم به هنگام خشکسالی از مار یاری می طلبند.

مار که در اعماق دریا پنهان است و در دریاچه لانه دارد، نیروی مقدس دریا و مرداب را جذب می کند و آکنده از قدرت جادویی است که از ژرفای آب بدست می آورد (دوبوکور، صفحه 54).

مار تا هزاره اول پیش از میلاد، مظهر آب های زیر زمینی بوده است و به همین دلیل مورد ستایش قرار می گرفت. طرح مار چون حاشیه ای برای تزیین در ظروف بکار رفته است. این طرح نشانه نیکی یا بدی، فراوانی، نمایش آب و یا اهریمن نیز می باشد. همچنین مار به عنوان الهه باروری شناخته می شد. ارتباط مار با الهه باروری را این طور توجیه می کنند که به علت مواجه بودن فرم بدن حیوان در حین حرکت، او را مرتبط با آب می دانستند.

نیلوفر

نیلوفر یا پیچک یا لوتوس نام همگانی یک گروه از گل ها و گیاهان است؛ که به فارسی گل آزاد یا گل زندگی و آفرینش و یا نیلوفر آبی نامیده می شود. نیلوفر یکی از مهمترین نمادهای آب بوده و گلی است که هستی از آن نشات می گیرد. مظهر کیهانی است که از آب های آشفتگی آغازین به صورت خورشیدی در آغاز دنیا از نیلوفر برآمد. گل نور؛ نتیجه تعادل قوای بزرگ آفریننده ی آتش خورشید و نیروی قوی آب هاست. در نقش حاصل، آب و خورشید نماد روح و ماده است و در مفهوم آب و آتش، منشا هستی است. نیلوفر یعنی زمین، عالم و هستی، که در آب های امکانات بی پایان می شکفتد، نیلوفر یعنی شکفتن معنوی؛ زیرا ریشه های آن در لجن است و به سمت بالا می روید. از آب های تیره خارج می شود و گل هایش زیر خورشید و روشنایی آسمان رشد می کند. غلاف دانه اش باروری آفرینش است و نماد تولد الهی است زیرا بدون هیچ ناپاکی از آب های گل آلود خارج می شود. از آنجا که نیلوفر با طلوع خورشید سر از آب بیرون می آورد و با غروب آن، غروب می کند؛ می توان آن را به جهت ارتباطش با آب نمادی دیگر از زایش دوباره و مردن پیش از مرگ طبیعی دانست.

ایزدان نیلوفر از آب بیرون می آیند، یعنی جهان از عنصر آبی بوجود آمده است و مظهر خروج خورشید از آب های آشفتگی آغازین است. شعله بر خاسته از نیلوفر؛ وحدت قوای دوگانه آب و آتش، ماه و خورشید، نر و ماده می باشد. گل و برگ نیلوفر منشا نگهداری مرحله خاصی از هستی است. در روایات کهن ایران، گل نیلوفر را جای تخم یا فر زرتشت، که در آب نگهداری می شد می دانسته اند.

از این رو نیلوفر با آیین مهری پیوندی نزدیک می یابد و همانطور که در آثار بسیار یافت شده؛ معتقدند؛ مهر از غنچه نیلوفر در صحنه زایش بیرون می آید. در روزگار باستان آب نیلوفر را که گویا خوشبو هم بوده به منزله

نوعی هوم - که همان گیاه مقدسی است که شیره آن در مراسم نیایش مزدا پرستان نوشیده می شد و دوردارنده مرگ بود - می نوشیدند.

در اساطیر کهن ایرانی نیلوفر، « گل ناهید » به شمار می رفته و ناهید تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران قدیم بوده که از جهاتی با معتقدات هندیان مشابه است. سابقه کهن اساطیری نیلوفر در نزد ایرانیان و هندیان به حدی است که آثار نیلوفر هشت و دوازده و حتی هزار برگ را در معماری و آثار باستانی این دو قوم به وضوح می توان دید.

پرنندگان آبی

نقش انواع پرنندگان آبی؛ مانند لک لک و مرغابی و همچنین مرغان درازپا که در مرداب ها زندگی می کنند، نیز غالباً روی ظروف سفالی به صورت ساده شده و یا تقلید از طبیعت دیده می شود. نقش پرنندگان دریا غالباً روی خطوط موج دار افقی و عمودی که نشانه آب است نشان داده می شده است. نقش این پرنندگان اشاره به اهمیت آب دارد که برای حیاط آنها ضروری است (پوپ صفحه 12).

ماهی

رمز ماهی از رمز آب و دریا جدایی ناپذیر است. زیرا بدیهی است که ماهی در آب می زید و به همین علت رمز آب های ژرفی است که در لایه های زیرین زمین گسترده یا جاری اند و از آن جا که رمز آب است با زایش و تجدید ادوار و نوشندگی در طبیعت پیوند یافته است. نقش کوسه ها نیز بر روی اشیا و صخره ها در مناطق جنوب غربی و مرکزی ایران در پیوند با برکت و درخواست فراوانی و باران می باشد.

از آن جا که ماهی به آب زنده است، از نقش آن به عنوان نمادی از آب و آبادانی و تازگی و طراوت استفاده شده است، همچنین ماهی نماد ناهید و مظهر فراوانی نیز هست.

گاو

نخستین حیوان جهان « گاو یکتا آفریده » بود که رنگش سفید و مثل ماه تابان بود. به موجب روایت زرتشتی این گاو بوسیله اهریمن، روح شرور کشته می شود و نطفه اش به ماه می رود. هنگامیکه این نطفه

کاملاً پاکیزه شد گونه های فراوانی از حیوانات از آن پدید آمدند. همچنین قسمتی از آن که بر زمین ریخت، گیاهان متعدد رست (کرتیس، صفحه 20).

به موجب بندهشن، کشته شدن این گاو و جاری شدن خورش بر زمین موجب رستاخیز طبیعت و ایجاد انواع جانوران و گیاهان می شود. پیروان مهر نیز معتقدند که او طی مراسمی گاو مقدس را می کشد تا خورش بر زمین جاری شود و رستاخیز طبیعت ایجاد شود. به این ترتیب گاو؛ مبدا آفرینش می شود و مهر هر ساله این عمل را انجام می دهد. از طرف دیگر نطفه گیاهان و جانوران که در ماه است به صورت باران بر زمین فرو می ریزد، بنابراین حیات؛ مبتنی بر کشتن گاو نر و جاری شدن خون آن بر زمین است. تیشتر (ایزد باران) نیز علاوه بر صورت های دیگرش به شکل گاو نر تجلی می یابد.

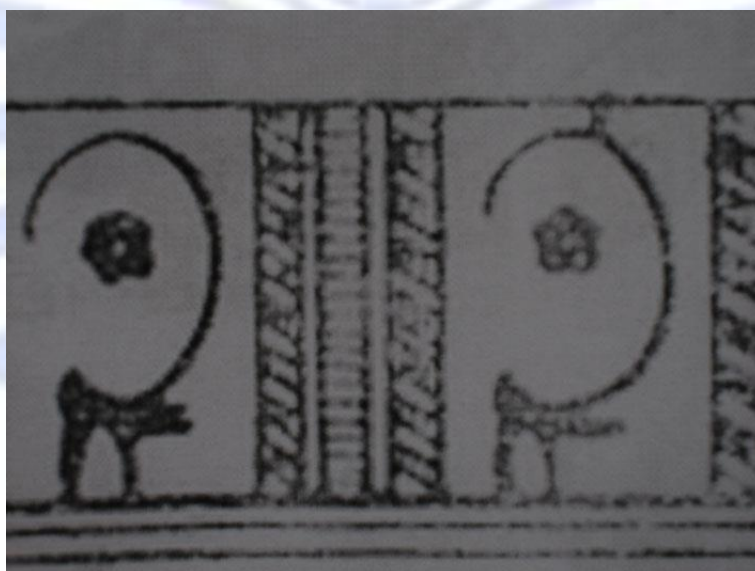
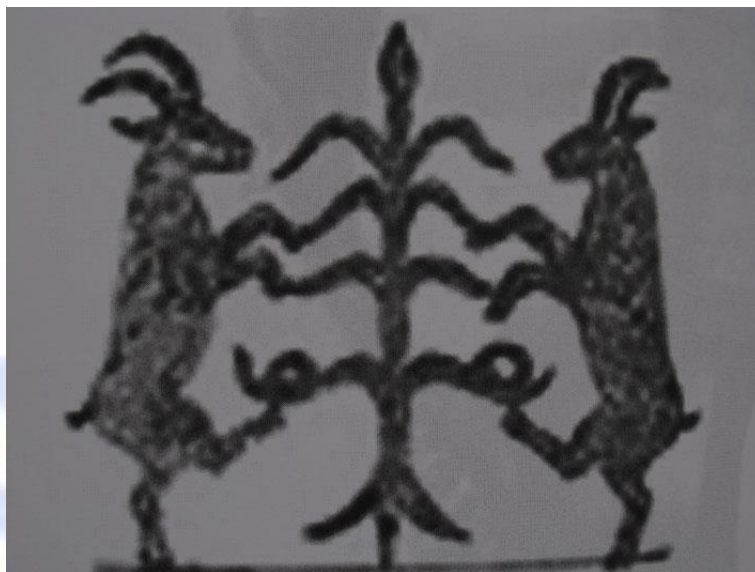
بز کوهی

از دیگر نمادهای آب؛ بز کوهی و جانوران شاخ دار را می توان نام برد که نقش آن ها با شاخ های بزرگتر از اندام های دیگر به شکل هلال ماه نمایان می شده است.

به احتمال قوی در آغاز میان شاخ های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بوده اند. از جانب دیگر ماه از زمان های بسیار قدیم با باران مربوط شناخته می شده است، چنانکه در مقابل آن خورشید با گرما و خشکی.

بنابراین این شاخ در نزول باران موثر شمرده می شد و این وابسته ی آب به طرز برجسته ای روی ظروف سفالی جلوه داده شده است و قرص ماه که در میان شاخ ها قرار داد، گویی مخزن آب را در بر دارد. شاخ های هلالی که در آن ها نیروی جادویی ایجاد آب مجتمع است (پوپ، صفحه 9).

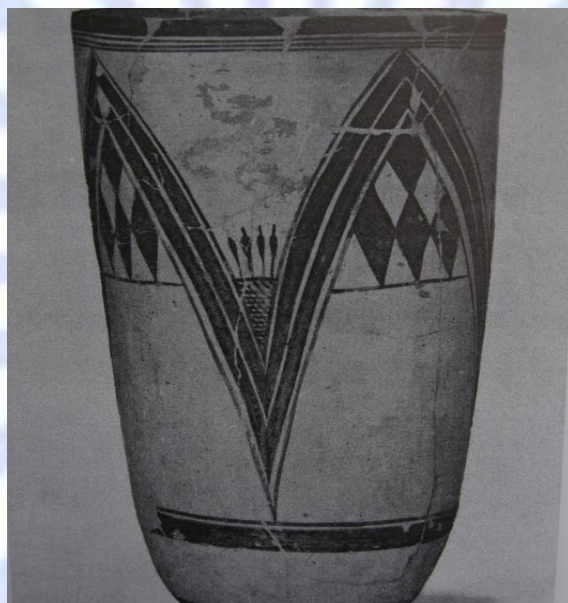
فرانکفورت مقاله ای به نام تموز در کردستان دارد، به عقیده او ریش و شاخ بز به رب النوع باروری سومر، تموز (Tammuz) مربوط می شود که در مهرهای قدیمی به همراه بز به یا میش دیده می شود. او رقص باران را متعلق به قدیمی ترین لایه اعتقادی انسان در غرب آسیا می داند که در آن، با رب النوع باروری، الهه مادر پیوند می یافت و این پیوند موجب برکت می شد.



کوه

از زمان های کهن، کوه اهمیت مذهبی بزرگی داشت. در قدیم ترین افسانه های مربوط به آفرینش کوه را مخلوق نخستین دانسته اند که از میان دریاهاى دوره اول بیرون جسته است. البرز (کوه هرا) در اوستا نخستین کوه جهان توصیف شده است که بیرون آمدن آن از زمین 800 سال، طول کشیده است و ریشه هایش در اعماق زمین است و سر بر آسمان می ساید. البرز مهمترین کوه ایرانیان است و برای آنان البرز یا کوه هرا سرچشمه روشنایی و آب بود (کرتیس، صفحه 19).

در آسیا یکی از کهن ترین عقاید دینی پرستش درخت، رودخانه و کوه بود. پیرامون این عقاید کوه های مقدس را جایگاه خدایانی میدانسته اند که صاعقه ها و در نتیجه آن باران را ایجاد کردند. بنابراین کوه از دیرباز نزد ایرانیان مهم بوده است. از این رو پرستشگاه ها و کاخ های خود را در کنار دامنه کوه، که آن را سرچشمه آب می دانستند بنا می کردند. این نکته را در نقش ایرانی که در شوش پیدا شده به خوبی می توان دید. نقش کوه در لیوان مذکور سه بار تکرار شده و بین شیار کوه ها آبدانی پر از آب است که از میان هر شیار چهار نی روییده که اشاره به تاثیر آب در رویانیدن گیاهان دارد. در این نقش به روشنی کوه به عنوان نگهدارنده آب باران است؛ آبی که مایه شکوفایی گیاه و زندگی است.



عقاب

از اوستا چنین بر می آید که عقاب نزد ایرانیان پایه ای ارجمند داشته و همواره مورد توجه بوده است. در اوستا از این مرغ دو بار به نام سئن یاد شده است و در زبان فارسی این پرنده که در پهلوی سین مرو یا سه نه موروک گفته می شود؛ به سیمرغ ترجمه شده است. سیمرغ یک باز بزرگ است که اهمیتی ویژه دارد، او برفراز درخت همه تخمه، لانه دارد و با بر هم زدن بال های خود بذرها را می پراکند، سپس این بذرها بوسیله باران و باد در سراسر زمین توزیع می شوند.

بر اساس اوستا و آثار پهلوی سیمرغ مرغی است فراخ بال که بر درخت درمان بخش همه تخمه آشیان دارد. درختی که سرمنشا جریان آب هاست. سیمرغ پرنده ای است که پرهای گستره آن به فراخی ابر می ماند و از آب کوهساران لبریز است. بر طبق اوستا، سیمرغ پرنده ای افسانه ای؛ شکل تغییر یافته ای از شاهین است.

(کعبی پور، صفحه 169) و شاهین نیز نماد آناهیتا می باشد. در ادبیات ودایی شاهین یا عقاب همان پرنده ایست که گیاه «هوم» را به «ایندرا»؛ خداوند جو و فزاینده باران رساند و ظاهرا یکی از تجلیات صاعقه به شمار می رود.

ماه

در ایران باستان ماه همواره ستایش شده است، خورشید؛ روشنی و گرما و خشکی به همراه داشته و ماه؛ خنکی و باران را. ماه از زمان های بسیار دور با باران مرتبط بوده است. شاید ماه در زمره خدایانی باشد که مقام اولوهیت داشته است. در غالب ادیان ابتدایی ماه قدرت جاودانی دارد. در یکی از اساطیر لیتیش، ماه خطاب به خورشید می گوید: من باعث پیدایش موجودات و رشد آنها هستم. جان می دهم و جان می ستانم. از روزگاران کهن در آثار اوستایی و ودایی آمده که رویش گیاهان، زایش و بالش مردم، نعمت و برکت، کاستی و افزونی آب، بستگی به ماه دارد. همچنین تخمه و رویش در کره ماه است. (هنگامی که گاو مقدس می میرد. نطفه آن به ماه می رود و ...) ماه سرچشمه زاینده گی و زندگی بر روی کره زمین است و بر آن نظارت می کند. در ایران ماه را هنگام هلال، عامل کم شدن آب ها و جزر، و به هنگام بدر؛ پدید آورنده مد و عامل زیادی آب ها می دانند. نیز در مورد رابطه ماه با جزر و مد آمده است که وجود ماه باعث وزش مدام در باد است، از جانب خلیج، این دو باد برکشنده و فرو کشنده اند که اولی مد و دومی جزر است.

در آثار الباقیه بیرونی از قول ایرانیان آورده شده است که ایرانیان در دو روز اجتماع و استقبال (مقابل با آفتاب – مقابل با آفتاب و ماه)؛ می گویند که هر دو مخصوص است. در اجتماع دریا جزر می یابد و آب ها کم می شوند. به عقیده زرتشتیان غولان و ساحران به ارواح مکرر ولع می یابند و بدین جهت بیماری صرع در این ماه زیاد می شود و در این وقت آب دریاها امتداد می یابد و زیاد می شوند. مردمان درباره علت جزر و مد اختلاف دارند، برخی معتقدند که ماه از جنس آب است و آن را گرم می کند تا منبسط شود و این را به آتش همانند کرده اند که دیگ آب را گرم کند و به جوش آرد. گاه که آب به اندازه نصف، یا دو ثلث دیگر باشد و چون به جوش آید در دیگ انبساط یابد و بالا آید و بهم خورد تا سر رود و مقدار آن بطور محسوس دو برابر شده و وزن آن کاهش پذیرد. چنان است که قعر دریا گرم شود و چون آب گرم شد منبسط شود و چون فزون شود بر آید و چون ماه پر شود فضا به شدت گرم شود و فزونی آب عیان شود.

به طور کلی هنگامیکه ماه می افزاید تمامی موجودات اهور مزدا می افزایشند. متون پهلوی و اوستایی شاهد این ادعایند و بیش از همه، آب دریاها و افیانوس ها و رودها می افزایشند و درختان تکثیر پیدا می کنند و سبزتر می شوند.

از دیر زمان؛ رابطه مستقیم بین ماه و آب در نقش مایه ها به چشم می خورد. بر اساس قدیمی ترین سفال های به دست آمده بزکوهی، گوزن، خرگوش متعلق به ماه هستند. بز کوهی با شاخ هایی بزرگتر از حد معمول و درست شبیه به هلال ماه ترسیم شده و گاه فقط شاخ او نماد ماه است. شاخ قوچ مظهر باروری و حاصلخیزی است که حاصلخیزی یکی از خصلت های ماه است. بز کوهی و جانوران شاخ دار دیگر نیروی جاودانه دارند. احتمالاً میان شاخ های خمیده و هلال ماه از دیرباز ارتباطی وجود داشته است. از جانب دیگر از زمان های بسیار دور ماه با باران مربوط می شده است. بنابراین شاخ در نزول باران موثر شمرده می شده است. حیواناتی چون گراز، عقرب؛ با شاخک هایش که شبیه هلال ماه است همگی نمادی از ماه می باشند.

مار که با ماه پیوندی ناگسستنی دارد بر پخش و پراکندگی ابرها در آسمان و نزول باران بر زمین حاکم است. مار یکی از جانوران قمری است، زیرا حضورش که هرگز پایدار نیست بسان حضور ستاره شب می ماند. مار همان سرنوشت ماه را دارد و شکلش به طور منظم تغییر می کند. مار و ماه همچون آب نشانه های تجدید حیات و دگردیسی اند.

به موجب مهر یشت در اوستا؛ میان ماه و آب از سوئی و میان گاو و مار از سوی دیگر؛ پیوندی مستقیم برقرار است. گاو را مترادف ماه می دانند و می گویند زندگی از گاو می تراود. در باورهای کهن میان زن و ماه نیز رابطه وجود داشته است. رابطه زن و باروری از ابتدای تفکر بشر وجود داشته و نشانه هایی از الهه باروری در بسیاری از تمدن ها از جمله در سرزمین ما به چشم می خورد. بر روی سفال های این دوران این نقش را اکرم؛ اولین نشانه حضور الهه باروری و پیوند او با ماه می دانند.

نتیجه گیری

از میان عناصر طبیعت، عنصر آب قبل و بعد از اسلام جایگاه وسیعی در اعتقادات و فرهنگ مردم ایران داشته است. آیینگی، زلالی، روانی، جان بخشی و پاکی آب از همان دیرباز در سنت و فرهنگ ایرانی ستوده شده است و در لوای رمزها و نمادهای متعددی به بیان آمده که رمزگشایی از آن رمزها و نمادها مستلزم بررسی و مطالعه سرچشمه ها و بسترهای آن در باور ایرانیان است. می توان گفت حرمت نهادن به این عنصر از ریشه های عمیق فرهنگی ایرانیان است، که از گذشته بسیار دور سرچشمه گرفته است.

برای پی بردن و آشنایی با باورها و سنت های مربوط به این عنصر باید نقوش نمادین آن را در هنرها مطالعه کرد، زیرا که بیشتر نقوش و تصاویر سرشار از مفاهیم و نمادها هستند. همانطور که گفته شد بسیاری از عناصری که نماد آب هستند به نوعی با آن نیز در ارتباطند.

منابع

- 1- اسماعیل پور، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین
- 2- اپهام پوپ، آرتور، سیر و صور نقاشی ایران
- 3- کرتیس، سرخوش، اسطوره های ایران
- 4- دوبوکور، مونیک، رمزهای زنده جان، ترجمه ی جلال ستاری
- 5- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران
- 6- کوپر، جی سی، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ملیحه کرباسیان

دانشگاه پیام نور
پویا